

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۵

تصحیح یک بیت از لبیبی در تاریخ بیهقی

(ص ۳۰۷-۳۰۳)

مجید منصوری (نویسنده مسئول)، حمید غلامی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۹

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

چکیده

یکی از شاخصه‌های مهم متون مختلف ادب فارسی، اثرپذیری این دست متون از آیات مطهر قرآن کریم است؛ بنابراین مصححان متون مختلف، باید بقدر کافی با این کتاب آسمانی انس و آشنایی داشته باشند. بعبارت دیگر، گاه، در برخی متون، قسمتی یا کلماتی از آیات قرآن در بیت، بطریق گونه‌گون، همانند ترجمه و درج قسمتی از یک آیه و یا استفاده از کلمات قرآنی، آمده که اگر مصحح این دقیقه را دریابد، در مواردی که متن دچار تغییر و تحریف شده، می‌تواند با مراجعه به قرآن، صورت اصلی متن را بازیابی کند.

در این جستار یک بیت از چند بیت مشهور لبیبی در تاریخ بیهقی را بر اساس دو آیه از قرآن کریم و همچنین با در نظر داشتن شواهدی از سایر متون و نیز موتیفی که از ترجمه و مضمون این آیات در شعر گویندگان این دوره پدید آمده و نیز از لحاظ مختصات سبک فکری شاعران این دوره، تصحیح شده است. البته باید اشاره کنیم هرچند ضبط اصلی و درست این بیت در نسخه‌بدلها وجود داشته است، باز هم مصححان چون به اثرپذیری این بیت از قرآن کریم، بی‌توجه بوده‌اند، آن را در حاشیه آورده‌اند و ضبط اصیل را بحاشیه رانده‌اند.

کلمات کلیدی: لبیبی، تصحیف، قرآن کریم، قسوره، خران

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک h.gholamv@gmail.com

مقدمه

بسیاری از محققان بر این نکته اجماع نظر دارند که مرتبه تصحیح متن، مهمترین گام در عرصه شناخت واژه‌ها و ترکیبهای یک شاعر یا نویسنده است، چنانکه تا زمانی که تصحیح منقحی از متنی صورت نگرفته باشد، شرح آن نیز امری مستبعد و دشوار است. «وجود و وفور تصحیفات و تحریفات که در زبان فارسی و دیگر زبانهایی که در تمدن اسلامی از الفبای اسلامی و خط آن استفاده کرده‌اند دیده میشود، به دلیل نقصهایی است در خط فارسی که گریبانگیر کاتبان گذشته بوده است» (نقد و تصحیح متون، مایل هروی: ص ۸۱).

وقوع تصحیف در الفبای فارسی، مولود دلایل زیادی است که اشارت فوق، تنها چند دلیل پیدایش تصحیف است و میتوان دلایل بسیاری از قبیل: بیسوادی و کمسوادی برخی کاتبان، بدخوانی و بدفهمی کاتبان، نامرغوب بودن کاغذ، بدخوانی برخی مصححان و... را افزود.

بهر روی، البته راههای زیادی را مصححان و محققان در زمینه تصحیح متون کهن فرا روی خویشتن دارند که یکی از آنها توجه به مسائل سبک‌شناسی است. برای مثال میتوان گفت با مد نظر داشتن مختصات فکری و مضامینی که درباره برخی موضوعات در ادب فارسی، در دوره‌های خاص، وجود داشته میتوان بسیاری از این خطاها و تصحیفات را بازجست.

در این تحقیق تلاش داریم یک بیت از لبیبی را که در تمام تصحیحهای تاریخ بیهقی بصورت نادرست آمده، بر اساس دو آیه از قرآن کریم و نیز با توجه بشواهدی چند، تصحیح کنیم و صورت اصلی و اصیل بیت لبیبی را نشان دهیم.

پیشینه تحقیق و بیان مسئله

در داستان بردن امیر محمد به قلیعه مندیش، بیهقی ضمن اشاره به رفتار نامناسب مسعودیان، در حال امیر محمد و وابستگانش، چند بیت زیبا از لبیبی شاعر نقل کرده است:

«لیثی (لبیبی) شاعر سخت نیکو گفته است درین معنی، والابیات:

| | |
|---|------------------------------------|
| کاروانی همی از ری به سوی دسکـره شد | آب پیش آمد و مردم همه بر قنطـره شد |
| گلّه دزدان از دور بدیدند چو آن ^۳ | هر یکی زیشان گفتی که یکی قسوره شد |
| آنچه دزدان را رای آمد بردند و شدند | بدکسی نیز که با دزد همی یکسره شد |

(تاریخ بیهقی، به تصحیح فیاض: ص ۹۷-۹۸)

بیت مورد بحث ما «گلّه دزدان از دور...» است. البته در لغتنامه دهخدا و ذیل «قسوره» نیز، بیت مذکور، طبق تصحیح مرحوم فیاض مضبوط است. رک (لغتنامه دهخدا: ذیل قسوره). ظاهراً همه

^۳ . حاشیه ۱۵: چو آن. B: خران.

منابعی که این ابیات لبیبی را آورده‌اند، منبعی جز همان تاریخ بیهقی نداشته‌اند! همین بیت لبیبی در برخی منابع، با اندک تغییراتی، به صورت ذیل آمده است:
گلۀ دزدان از دور چو آن می‌دیدند — هر یکی زیشان گفتی که یکی قسوره شد

رک: (تاریخ بیهقی، چاپ ادیب پیشاوری: ص ۶۷؛ به نقل از لغتنامه دهخدا، ذیل دسکره). در مجمع-الفصحا نیز به همین صورت آمده است. رک (مجمع‌الفصحاء: ج ۳/ ص ۱۷۵۲).
تصحیح یاحقی و سیدی، نیز منطبق است بر ضبط فیاض، در حاشیه ۹، آمده: «چو آن، NLB: حزان» (تاریخ بیهقی، به تصحیح یاحقی و سیدی: ج ۱/ ص ۶۳) و نیز (تاریخ بیهقی، شرح خطیب‌رهبر: ج ۱/ ص ۶۰).

بحث و بررسی

در بیت مانحن فیه، یک تصحیف مهم رخ داده و کلّ بیت را دستخوش تغییر کرده، چنانکه زیبایی بیت از لحاظ معنایی و لفظی را از بین برده است. ذیلاً ضبط صواب بیت لبیبی را اشاره میکنیم و در ادامه، دلایل خود را برای برگزیدن این ضبط خواهیم آورد.
گلۀ دزدان از دور بدیدند خران هر یکی زیشان گفتی که یکی قسوره شد

یعنی، جماعت دزدان از دور خران را بدیدند و هر کدام از این دزدان همانند شیری شد. دلایل اثبات این تصحیح، از قرار زیر است:

الف. دلیل اصلی که بتأیید این ضبط، بسیار کمک میکند و بنوعی بهمین تصحیح قیاسی جنبه قطعیت میبخشد، این دو آیه شریفه قرآن مجید است: «كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (۷۴: ۵۰، ۵۱)؛ «گویی گورخرانی رمیده‌اند که از مقابل شیری فرار کرده‌اند»^۴. و این یک اثرپذیری مهم شعر فارسی از قرآن کریم است که باید بعنوان نمونه‌ای اعلا وارد کتابهای تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، شود و بدان‌شجویان معرفی گردد.

ب. نسخه بدل مرحوم فیاض، «خران» است و در عین شگفتی دانشمند بزرگی همانند ایشان، در نیافته‌اند که میبایستی همین نسخه بدل را وارد متن نمایند. و از این عجیبترا اینکه استاد یاحقی، در قسمت نسخه‌بدلها اشاره‌ای به «خران» در حاشیه تصحیح فیاض نکرده‌اند!

^۴ . استاد امید مجد در ترجمه منظوم قرآن، این آیات را چنین ترجمه کرده‌اند:
تو گویی که هستند همچون حمار که سازند از شیر وحشی فرار

ج. رمندگی گوران (خران) از برابر شیران، مضمونی است که در اشعار شاعران فارسی‌زبان، قابل مشاهده است.

رمید آن دلاور سپاه دلیـر
به کردار گوران ز چنگال شیـر
(شاهنامه بر اساس چاپ مسکو: ج ۱/ ص ۲۷۰)

در این بیت منسوب به ناصر خسرو نیز میتوان همین دقیقه را دریافت:

چون گریزی از علی کو شیر دین ایزد است
گر نگشتستی به دین اندر حمار ای ناصبی؟
(دیوان ناصر خسرو: ص ۵۳۹)

در ادب عرب نیز بر اساس همان آیه شریفه، رمندگی (حمر) گورخر، از برابر قسوره (شیر)، مضمون ابیات بسیاری شده است:

لم ینفروا خیفه من کل قسوره
و فرّ جمعهم إلیّ و هم حمر
(منتهی الأرب: ج ۳۲، ص: ۵۳)

در دو بیت از ویس و رامین، واژه «گور» در کنار «شیر» آمده و برای گور صفت «دمنده» آمده است. البته به احتمال قوی بایستی در هر دو بیت بر اساس همان مطالب مطرح شده، «گور رمنده» باشد، چه دمنده صفت شیر و پیل و جانوران قوی است نه جانوری همانند گور در نهایت رمندگی و ترسانی. چو بر جان دلیران شد قضا چیر
یکی گور دمنده شد یکی شیر
چو بر جنگ دلیران تنگ شد روز
یکی گرم دمنده شد یکی یوز

ر.ک (ویس و رامین، به تصحیح مجوب: ص ۴۷) و (ویس و رامین، چاپ کلکته: ص ۴۰).

تو با شیران چرا شیری نمایی
که با گور دمنده بر نیایی

ر.ک (ویس و رامین، به تصحیح مجوب: ص ۱۳۹) و (ویس و رامین، چاپ کلکته: ص ۱۳۰). با این اوصاف، شکی باقی نمی‌ماند که صورت صواب «گور دمنده» همان «گور رمنده» است. روشن است که شاعر تقابلی بین شیران که مظهر شجاعت هستند با گوران که مظهر ترس و رمندگی هستند، ایجاد کرده است. فردوسی در بیت زیر به رمندگی گوران از چنگال شیر اشاره کرده است:

رمید آن دلاور سپاه دلیـر
به کردار گوران ز چنگال شیـر
(شاهنامه بر اساس چاپ مسکو: ج ۱، ص ۲۷۰)

نتیجه‌گیری

نقش قرآن و حدیث، در بین آثار و نوشته‌های گویندگان ادب فارسی، بیش از آن است که در نظر اول ممکن است بذهن برسد. شاعران و گویندگان ادب فارسی همواره در اشعار و ابیات خود به مضامین قرآنی توجه داشته‌اند و تلاش می‌کرده‌اند تا با این انوار آسمانی، شعر خویش را روشنی بخشند.

اگرچه بسیاری از محققان معاصر، نمونه‌های فراوانی را برای اثرپذیری شاعران مختلف از قرآن و حدیث، یافته‌اند و ذکر نموده‌اند، هنوز هم مضامین مختلفی در ادب فارسی میتوان یافت که یکسره بر اساس آیات قرآنی پدید آمده است.

در این تحقیق یک بیت از لبیبی را در تاریخ بیهقی با توجه به دو آیه از قرآن کریم و مضامینی که این آیات در شعر دیگر شاعران، بوجود آورده است، تصحیح کردیم. فایده دیگر این تحقیق این است که در آن، یک مورد تأثیرپذیری مهم و یادکردنی از قرآن در شعر گویندگان نخستین ادب فارسی، نشان داده شد. ضمناً با توجه به نکته‌هایی که در متن تحقیق بدان اشاره رفت، دو بیت از ویس و رامین نیز تصحیح شد و صورت اصلی و اصیل آنها نمایانده گردید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. قرآن مجید (قرآن نامه منظوم). باشرح منظوم، شاعر: امید مجد، تهران: انتشارات امید مجد، (۱۳۹۰).
۳. تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. بتصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمدجعفر یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۸۳).
۴. تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. بکوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: زریاب، (۱۳۷۸).
۵. تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. بتصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن، (۱۳۸۸).
۶. دیوان ناصر خسرو، ابومعین ناصر خسرو قبادیانی. بتصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۸۴).
۷. شاهنامه فردوسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی. بر پایه چاپ مسکو، تهران: هرمس، (۱۳۸۲).
۸. لغتنامه دهخدا. علی اکبر دهخدا و دیگران. تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۷۷).
۹. مجمع‌الفصحاء، رضاقلی بن محمد هادی هدایت. بکوشش مظاہر مصفا، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۲).
۱۰. منتهی‌الأرب فی لغه العرب، عبدالرحیم صفی‌پوری. تهران: کتابخانه سنایی، (بی‌تا).
۱۱. نقد و تصحیح متون، نجیب مایل‌هروی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۳۶۹).
۱۲. ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی. باهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: بنگاه نشر اندیشه، (۱۳۳۷).
۱۳. ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی. بتصحیح کاپیتان لیس و احمدعلی منشی، کلکته: انتشارات کالج، (۱۸۶۵م).